

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقایسه نقش زن در خانواده از دیدگاه اسلام و غرب

منیژه شربندار

مرضیه مشهدی، شیما محمودی

حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) تهران

چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه انسانی و شرط پویایی و استواری آن و جوب روابط صحیح و پایدار میان زن، شوهر و فرزندان است. اسلام به عنوان عالی ترین راهنمای حیات بشری قرن ها پیش بهترین هدایتگری و نظریه پردازی را در مورد خانواده انجام داده و دستورهای آن ناظر بر صیانت از خانواده است. اما در دهه های گذشته تحت تأثیر عواملی از جمله ورود فرهنگ غرب و به خصوص آثار جنبش فمینیسم و بازمانده فرهنگ پدرسالاری سنتی، آموزه های اسلامی را در مواردی کمرنگ نموده است. این مقاله که با روش کتابخانه ای انجام شد از میان کارکردهای گوناگون خانواده، به مقایسه مهمترین آنها یعنی تولیدمثل، حمایت و مراقبت عاطفی، جامعه پذیری و تنظیم رفتار جنسی در دو دیدگاه اسلام و غرب پرداخت و دریافت رویکردهای انتقادی و افراطی فمینیسم و غرب با رویکردهای اسلامی در مورد نقش زن در خانواده ناسازگار بوده و این امر از مواضع ارزشی این دو مکتب نشأت می گیرد.

کلیدواژه ها: خانواده، زن، اسلام، غرب

مقدمه

در فضایی که جهل و بی سوادى جامعه ی بشرى را فرا گرفته بود، مردى از جنس خدا برگزیده شد و ندا سر داد که تنها راه فلاح و رستگارى، اقرار به وجود آن ذات یگانه و معبود ازلى است. آن حبيب خدا در طول ۲۳ سال توام با زجر و شکنجه و عذاب، ملتى پرورید که در طول تاریخ از پیشگامان عرصه های مختلف علمى و معنوى گشتند و زنان را از حضيض ذلت به در آورد و در آخرین پیام خود به مسلمانان تاکید فرمود: ای مردم! بانوان شما بر شما حقوقى دارند. شما نیز بر آنان حقوقى دارید. من به شما سفارش مى کنم که به زنان نیکی کنید؛ زیرا آنان امانت های الهی در دستان شمايند. (فائزه عظیم زاده، ۱۳۸۸، جلد ۴، ص ۲)

اما با این وجود در طول تاریخ ستم های فراوانی بر زنان صورت گرفته، به گونه ای که زن ستیزی یکی از رفتارهای رایج در کنار سایر رفتارها اعمال شده است. از جمله رفتارهای وحشیانه و حیوانی علیه زنان؛ اهلی دانستن آنها به مانند حیوانات اهلی در استرالیا، خوردن گوشت زنان در هنگام قحطی، محروم کردن آنها از حقوق طبیعی و انسانی شان، زنده به گور کردن دختران در زمان جاهلیت و ده ها انحراف اعتقادی و رفتاری که زمینه ای را برای به وجود آمدن یک جریان انحصارگرایانه برای دفاع از حقوق زنان تحت عنوان فمینیسم فراهم نمود. در زمانه ما نیز که بحث دفاع از حقوق زنان در جهان مطرح است و نهضت فمینیستی با حمایت و پشتوانه اندیشه های صهیونیستی سردمدار به اصطلاح دفاع از ارزش های زنان گردیده، توجه به نگاه اسلام به زن و تعریف کرامت و انسانیت او از دیدگاه اسلام بیش از پیش ضرورت می یابد، تا با شناخت شخصیت حقیقی زن او را به کرامت و منزلت انسانی اش نزدیک تر کند. اگر غرب زن را مطرح کرد و به اصطلاح داعیه دفاع از حقوق زن را داشت، آیا حقیقتاً شخص زن مدنظر بود یا منافع سردمداران که از زن به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده کردند و در مقابل

دیدگاه اسلام که اگر زن را مطرح می کند خود شخص زن و ارتقای روحیش مدنظر بود و نه هیچ چیز دیگر. اسلام که دین حق و براساس عقل سلیم و فطرت سالم است زن را به عنوان یک انسان و مکمل خلقت مرد معرفی می کند و همان جایگاه و ارزشی که برای نوع انسان قائل است برای زن نیز قائل است. (عبدالحسین خسروپناه، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱).

در این مقاله با نگاهی تطبیقی بین دو دیدگاه اسلام و غرب، نقش زن در خانواده و کارکردهای آن از زاویه ارزشی مورد بررسی قرار می گیرد و این حقیقت بیان می شود که دیدگاه اسلام مترقی ترین اندیشه در باب زنان بوده، هیچ مکتبی یارای مقابله با آن را نداشته و ناسازگاری رویکردهای انتقادی و افراطی غرب با رویکردهای اسلامی، به دلیل تعارض در مواضع ارزشی و تعاریف متضاد این دو مکتب راجع به مبانی و اصول عامی همچون عدالت، آزادی، استقلال، ستم و تبعیض می باشد .

کارکردهای خانواده

بخش قابل توجهی از مباحث جامعه شناسی خانواده به موضوع کارکردهای خانواده اختصاص یافته است. این موضوع پیوند ناگسستنی با مواضع ارزشی و ایدئولوژیک افراد و دیدگاه های گوناگون دارد. خانواده در اشکال مختلف آن کارکردهای فردی و اجتماعی مهمی ایفا نموده است که از جمله آنها می توان به کارکرد: تولید مثل، حمایت و مراقبت، جامعه پذیری، تنظیم رفتار جنسی، عاطفه و همراهی، اعطای پایگاه اجتماعی، کارکردهای اقتصادی و غیره اشاره نمود. (حسین بستان، ۱۳۸۲، شماره ۳۵، ص ۱) در بحث پیش رو دیدگاه های ارزشی غرب و اسلام درباره کارکردهای مهم خانواده شامل تولیدمثل، مراقبت و حمایت عاطفی، جامعه پذیری و تنظیم رفتار جنسی مورد مقایسه قرار خواهند گرفت.

مقایسه نقش زن در کارکرد تولیدمثل از نظر اسلام و غرب

تولیدمثل از کارکردهای اساسی خانواده است که همواره بقای نسل بشر را تضمین کرده است. دیدگاه‌های فمینیستی در مورد کارکرد تولید مثل، متفاوت و احياناً متناقض‌اند. شولامیت فایرستون براساس نظریه‌ی خود که نابرابری جنسی را ناشی از تفاوت‌های زیستی زن و مرد و به ویژه قابلیت تولید مثل زنان دانسته است، توسل زنان به تکنولوژی پیشرفته‌ی تولید مثل را مورد تأکید قرار می‌دهد. به نظر وی زنان باید با استفاده از این تکنولوژی خود را از قیدوبندهای زیست‌شناختی‌شان آزاد نمایند (p81,1994,gaggar).
پیش‌تر سیمون دوبوار نیز با تولیدمثل به عنوان کارکردی صرفاً طبیعی و حیوانی که با امکان ارتقاء و تعالی زن منافات دارد، مخالفت کرده بود (p7, ekman, ۱۹۹۲h).

اما اکثر فمینیست‌های متأخر این نظر را نادرست دانسته‌اند؛ به عنوان مثال، مری آبرین، در مخالفت با فایرستون، پیوند زنان با طبیعت از طریق تولید مثل را دارای پتانسیل آزادی‌بخشی دانسته است (p137,Ibid).

جین بتکه‌الشتین نیز جنبه‌ی آرمانی دادن به هنجارهای مردانه و ارائه‌ی تصویری کاملاً منفی از بدن زن و فعالیت‌های طبیعی آن از سوی دوبوار را مورد انتقاد قرار داده است (p212-213, ong, ۱۹۹۷t).
موضوع دیگر در این مورد، مسأله‌ی سقط جنین است. طرف‌داران فمینیسم طی دهه‌های اخیر کوشش‌هایی جدی در جهت آزادی سقط جنین به عمل آورده‌اند. به اعتقاد آنان، ممنوعیت یا محدودیت سقط جنین، از یک سو با آزادی زنان در کنترل بدنشان تنافی دارد و از سوی دیگر منجر به کانالیزه شدن روابط جنسی و در نتیجه، استمرار ستم جنسی بر زنان می‌شود؛ زیرا بر خلاف این پندار که زنان می‌توانند با خودداری از رابطه‌ی جنسی از حاملگی ناخواسته اجتناب ورزند، واقعیات موجود حاکی از آن‌اند که احتمال تجاوز به زنان توسط ناآشنایان، دوستان، بستگان و حتی شوهران، کنترل زنان بر حیات

جنسی‌شان را به پایین‌ترین حد رسانده است؛ بنابراین، دسترسی آزاد و آسان به امکانات سقط جنین می‌تواند مانع از استمرار ستم‌دیدگی زنان گردد (Herwin ۱۹۹۸S, p264).

هرچند اسلام کاهش تولید مثل را در موارد ضرورت فردی یا اجتماعی به عنوان یک حکم ثانوی تجویز می‌کند، تردیدی نیست که نگرش‌های افراطی یاد شده با ارزش‌های اسلامی در تقابل کامل قرار دارند؛ زیرا اصولاً تعریفی که اسلام از مفاهیم تعالی، کمال، برابری، آزادی، و ارزش‌هایی از این دست ارائه می‌دهد، با تعریف فمینیستی ناسازگار است. در این‌جا تنها به روایتی اشاره می‌کنیم که ارزش والای تولید مثل و مادری در اسلام را منعکس می‌کند: در روایتی از امام صادق (ع) چنین نقل شده است:

ام سلمه (همسر پیامبر (ص)) به ایشان عرضه داشت: ای رسول خدا، مردان همه‌ی خیرات را به چنگ آوردند، پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟ حضرت در پاسخ فرمود: چنین نیست؛ زن در هنگام بارداری به منزله‌ی کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جانش در راه خدا جهاد می‌کند؛ پس زمانی که وضع حمل می‌کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به سبب بزرگی آن هیچ‌کس توان درکش را ندارد و آن‌گاه که کودکش را شیر می‌دهد در ازای هر مکیدنی پاداشی بسیار بزرگ معادل آزادکردن یکی از فرزندان اسماعیل که وقف عبادت خدا شده است به وی تعلق می‌گیرد؛ پس هنگامی که از شیردادن فارغ گردد، فرشته‌ی بزرگواری بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید: اعمال خود را از سربگیر، به درستی که تمامی گناهانت آمرزیده شدند (محمد بن الحسن الحرّ العاملی، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۷۵).

بدیهی است با چنین نگرشی فرایند تولید مثل نه تنها قید و بندی برای آزادی زنان و کارکردی صرفاً طبیعی و حیوانی نخواهد بود، بلکه خود کلیدی برای آزادی معنوی و وسیله‌ای برای ارتقا و تعالی حقیقی فرد است که خداوند یکتا آن را در انحصار زنان قرار داده است.

تو را فرستاده، ایمان آوردیم؛ ولی ما جماعت زنان در حصار و محدودیت هستیم؛ در خانه‌های شما مردان نشسته‌ایم؛ موضعی برای برآورده شدن شهوات شماییم و فرزندان شما را حمل می‌کنیم و شما جماعت مردان به لحاظ نماز جمعه و نمازهای جماعت و عیادت بیماران و شرکت در تشییع جنازه و تشرّف مکرر به حج و از همه بالاتر، جهاد در راه خدا بر ما زنان برتری داده شده‌اید و هنگامی که شما مردان به منظور حج یا عمره یا اعزام به جبهه، خانه و کاشانه‌ی خود را ترک می‌گویید، ما زنان از دارایی‌های شما محافظت می‌کنیم و لباس‌های شما را می‌بافیم و فرزندانان را پرورش می‌دهیم، پس ای رسول خدا، چه مقدار با شما در اجر و پاداش شریکیم؟ حضرت روبه اصحاب کرد و فرمود: آیا هرگز تاکنون شنیده بودید که زنی به خوبی این زن در مسائل دینی‌اش پرسش کرده باشد؟ عرض کردند: ای رسول خدا، گمان نمی‌کردیم زنی بتواند چنین مطالبی بگوید و با چنین شیوایی و منطقی سخنش را به زبان آورد. آن گاه پیامبر(ص) رو به زن نمود و فرمود: ای زن بازگرد و به زنانی که تو را فرستاده اند اعلام کن که خوب شوهرداری کردن زن و تلاش وی برای کسب خشنودی شوهر و سازگاری با او از حیث پاداش الهی با تمامی آن فضایل که برای مردان مقرر شده، برابری می‌کند. پس آن زن به عنوان اظهار شادمانی، تکبیر و تهلیل گویان از محضر پیامبر خارج شد (جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۱۵۳).

بدون شک، چنین تعبیری در متون دینی، که اندک هم نیستند زمینه‌ای برای احساس بیگانگی زنان و مادران باقی نمی‌گذارد مشروط بر این که زنان وارد قلمرو ایمان شده باشند؛ در غیر این صورت، برچسب ایدئولوژی پدرسالارانه برای رد تمامی این مطالب کافی خواهد بود!

نتیجه گیری

خلاصه سخن این که، دیدگاه ارزشی اسلام و غرب در باب نقش زن در کارکردهای خانواده معمولاً نافی و مناقض یکدیگرند. رویکردهای ارزشی و راهبردی غرب، از قبیل مخالفت با تولید مثل طبیعی، طرف داری از آزادی سقط جنین، مخالفت با مادری و کار خانگی، مخالفت کامل با جامعه پذیری نقش های جنسیتی و تقسیم کار جنسی، مخالفت با هرگونه تمایز جنسی تحت عنوان مبارزه با پدرسالاری، مخالفت با الگوهای غیرمشابه رفتار جنسیتی، تأیید هم جنس گرایی و مخالفت با تربیت دینی نمی توانند از دیدگاه اسلام مقبولیتی کسب کنند. تفکر غرب که متأثر از مبانی و دیدگاه های مدرنیته به تحلیل و بررسی مسائل زنان و خانواده می پردازد، راهکارها برای حل مشکلات زنان را نیز با همان نگاه حاکم بر فرهنگ مدرنیته ارائه می دهد که در آن معنویت، حقیقت خواهی و ایثار بی معناست و انسان دور افتاده از فطرت و اخلاق الهی، روحیه تخاصم و ستیزه جویی دارد. در این فرهنگ منظور از تساوی یعنی تشابه همه آحاد جامعه و اعضای خانواده و کمرنگ کردن نقش های اختصاصی و ویژه ای که خالق جهان برای کمال و رشد انسان در وجود او به ودیعت نهاده است و این جا همان اختلاف دیدگاه غرب و اسلام می باشد که غربی ها با اتکا بر همان مبانی مدرنیته نسبت به حقوق زنان و مردان از منطق تشابه محور پیروی کرده اند. در حالی که اسلام و ادیان الهی همسو با هدف انسان و غایت هستی بر تناسب محوری و توجه به ویژگی های اختصاصی در عین توجه به مشابهت ها در اصول و غایات تأکید کرده اند و همین مسأله منشأ اختلافات اساسی در شناخت، ریشه یابی، سیاست گذاری، اولویت گذاری و برنامه ریزی در زمینه مسائل و مشکلات زنان و خانواده می گردد.

منابع فارسی و عربی

- ۱- ابوت، تامل، والاس، ککر؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرشهای فمینیستی، مریم خراسانی و حمید احمدی؛ تهران: دنیای مادر، ۱۳۷۶.
- ۲- افرار، علی؛ «صورة المرأة بين المنظور الديني و الشعبي و العلماني»، به نقل از بولتن مرجع (۴) فمینیسم، مدیریت مطالعات اسلامی و مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸.
- ۳- بستان، حسین؛ کارکردهای خانواده از نظر اسلام و فمینیسم، حوزه و دانشگاه، شماره ۳۵، ۱۳۸۲.
- ۴- بنی‌هاشمی خمینی، محمدحسن (گردآورنده)؛ توضیح المسائل مراجع، چ ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۸.
- ۵- بهجت، آیه‌الله محمدتقی؛ توضیح المسائل (فارسی)، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۸.
- ۶- جگر، آلیسون؛ «چهار تلقی از فمینیسم (۱) و (۲)»، س. امیری، زنان، ش ۲۸، سال پنجم، فروردین ۷۵ و ش ۳۱، سال پنجم، ۱۳۷۵.
- ۷- الحرّ العاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، (۲۰ جلد) چ ۶، طهران: المكتبة الاسلامیه، [بی تا].
- ۸- خسروپناه، عبدالحسین؛ جریان شناسی ضدفرهنگ ها، قم: نشر تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۹- الخویی، آیه‌الله السید ابوالقاسم؛ صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات، الطبعة ۱، قم: دارالاعتصام، ۱۴۱۷ق.

۱۰- راد، پریسا، پدرسالاری؛ بن بست فمینیست‌ها تأملی در نسبت و رابطه میان زنان و مردان، حورا ش ۱۳۸۷، ۲۷.

۱۱- السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن؛ الدر المنثور، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۲- شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان، چ ۱، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹.

۱۳- عظیم زاده اردبیلی، لیلا خسروی؛ مطالعات تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، ج ۴، چ اول، نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.

۱۴- فرنچ، مارلین؛ جنگ علیه زنان، توراندخت تمدن؛ چ ۱، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۳.

۱۵- قطب، سیدمحمد؛ فی ظلال القرآن، الطبعة ۱۵، لبنان و مصر: دارالشروق، ۱۴۰۸ ق.

۱۶- لنگر من، پاتریشیا مدو و پرنتملی، ژیل نیب روگ؛ «نظریه فمینیستی معاصر»، در جورج ریترز؛ نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ محسن ثلاثی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۱۷- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، الطبعة ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۸- ویلفورد، ریک؛ «مقدمه‌ای بر ایدئولوژیهای سیاسی»، ترجمه م. قائد؛ به نقل از بولتن مرجع (۴) فمینیسم، مدیریت مطالعات اسلامی، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸.

۱۹- وینسنت، اندرو؛ ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی، مرتضی ثاقب‌فر؛ تهران: ققنوس، ۱۳۷۸.

1- Chodorow, Nancy “The Pschodynamics of the Family” in Linda Nicholson, The Second Wave, Routledge, NewYork and London,(1997).

2- De Beauvoir, Simone ,The Second Sex, Vintage Books, NewYork,(1989).

3- Hekman, Susan J.Gender and Knowledge, Northeastern University Press, Boston,(1992).

4- Jaggar, Alison, M. “Human Biology in Feminist Theory: Sexual Equality Reconsidered” in Helencorowley and susan Himmelweit, Knowing Women, Polity press: The open university, Cambridge,(1994).

5- Oakley, Ann .Woman’s Work: The Housewife, Past and Present, Vintage Books, NewYork,(1976).

6- Schaefer, Richard T.Sociology, McGraw-Hill Book Company, NewYork,(1989)

7- Sherwin, Susan. “Abortion through a Feminist Ethics Lens” in Women in Culture,(1998).

8- Tong, rosemarie .Feminist Thought, Routledge, London,(1997)